

موضوع نامه / معرفی شرکت روزاندیش کویرپیما و خدمات جیبرس

ضمن ادب و احترام

وقتی ثروت های بزرگ به دست برخی مردم می افتد در پرتو آن نیرومند می شوند و در سایه نیرومندی و ثروت خیال می کنند که می توانند در خارج از وطن خود زندگی نمایند و خوشبخت و سرافراز باشند ولی به زودی می فهمند که اشتباه کرده اند و عظمت هر ملتی بر روی خرابه های وطن خودش می باشد و بس!

این راست نیست که هرچه عاشق تر باشی بهتر درک می کنی. همه ی آنچه عشق و عاشقی از من می خواهد فقط درک این حکمت است: دیگری نشناختنی است؛ ماتی او پرده ی ابهامی به روی یک راز نیست، بل گواهی است که در آن بازی بود و نمود هیچ جایی ندارد. پس من در مسرت عشق ورزیدن به یک ناشناس غرق می شوم، کسی که تا ابد ناشناس خواهد ماند.

پیر مردی هر روز تو محله می دید پسر کی با کفش های پاره و پای برهنه با توپ پلاستیکی فوتبال بازی می کند، روزی رفت ی کتانی نو خرید و اومد و به پسرک گفت بیا این کفش رو بپوش... پسرک کفش رو پوشید و خوشحال رو به پیر مرد کرد و گفت: شما خدایی؟! پیر مرد لبش را گزید و گفت نه! پسرک گفت پس دوست خدایی، چون من دیشب فقط به خدا گفتم که کفش ندارم...

جواد ادیب

مدیرعامل جیبرس

شرکت روز اندیش کویرپیما